

آینده را از آن «آینده» سازیم

بر یکی از لوایح کهن بابلشهر چنین حک شده است: «آینده، گذشتهٔ دراز دارد.» این جمله که در وهلهٔ نخست تناقض آمیز به نظر می آید، در واقع، بیان ساده بیست از تمام تاریخ خوشبینی بشر. آینده همیشه چشم انداز امید های انسان بوده است و از این دیدگاه، واقعاً، گذشته دراز دارد.

ما در مقیاس کوچک حرکت مان به سوی آینده، در متن فاجعه هایی که از چهار سو بر زادگاه ما باریده است، روزنه یی به سوی امید باز کرده ایم. تداوم و گسترده گی این روزنه، دیگر مربوط به شمار آگاهانیست که ما را در این امر خطیر، ولی مقدس، همراهی میکنند.

باور یافتن شاید کار ساده یی باشد، ولی، دو باره زنده کردن باور ها از زیر انبوههٔ خاکستر جفا و خیانت و شکست، آنهم همراه با تحقیر ها، دلهره ها و روان فسرده گیهای ناشی از مهاجرت و بیوطنی، کاریست بینهایت دشوار. با اینهمه باید «چراغی برافروخت و به جنگ سیاهیها» رفت.

«آینده» در صورتی خواهد توانست به چنان چراغی مبدل شود که بتواند آینه یی باشد برای انعکاس دادن درد مشترک مان. «آینده» زمانی خواهد توانست درد مشترک مان را بازتاب دهد که آینهٔ مشترک مان باشد. فرصت آن رسیده است که این آینه را - با همه کوچکیش - از آن همهٔ مان سازیم و در پالایش و گسترشش سهم بگیریم.

باید «آینده» را به تمام آنانی رساند که دل شان به حال میهن میسوزد. تشکل تفکر جدید داد خواهانه و دموکراتیک تنها از طریق ایجاد پیوند های گسترده و زنده میان خواننده گان، نشریهٔ «آینده» و سایت انترنتی «نهضت آیندهٔ افغانستان» ممکن خواهد بود و بس.

«آینده» ما اگر گذشتهٔ دراز ندارد، به یقین به یاری مبارزان راستین حق و عدالت، آیندهٔ دراز خواهد داشت!